هراس ناوهای آمریکایی و ناتو از شناورهای سپاه

به گزارش فارس، سردار علیرضا تنگسیری، فرمانده نیروی دریایی سپاه با اشاره به تسلط این نیرو بر خلیج‌فارس گفت: امروز ناوهای آمریکا و ناتو دراین منطقه به تذکرات سپاه تمکین می‌کنند. برای مثال، شناورهای سپاه یک‌بار به سمت یک ناو هواپیمابر آمریکایی رفتند و این ناو ۱۸۰ مایل فرار کرد.

خبرهایی که نمی‌بینید

شفافیت در شرکت‌های دولتی و شبه‌دولتی

به گزارش تسنیم، به‌گفته سیداحمدرضا دستغیب، رئیس‌کل دیوان محاسبات کشور، فیش حقوقی شرکت‌های دولتی و شبه‌دولتی باید در سامانه شفافیت پاکنا (پایگاه اطلاعات کارکنان نظام اداری) ثبت شود.

دریچه

درس قدردانی در کلاس مقام معظم رهبری

قدرشناسی و تجلیل از کار خوب، یکی از فرهنگ‌های پسندیده اسلامی است که سبب الگوسازی کارهای خوب در جامعه می‌شود. رهبر معظم انقلاب نیز به عنوان محور جامعـــه، بارها به تکریم از «خوب‌ها» و «خوبی‌ها» پرداخته‌اند. این مطلب به دسته‌بندی این تجلیل‌ها پرداخته است.

۱ **تجلیل از مردم:** رهبر معظم انقلاب بارها از رشادت‌ها و از خودگذشتگی‌های ملت ایران در مقاطع خاص، به ویژه بعد از راهپیمایی‌ها یا انتخابات قدردانی و گاهی متواضعانه این مردم را تعظیم کرده‌اند و گاهی بر اثر این نعمت، در برابر خداوند سر به سجده شکر گذاشته‌اند. ایشان به تمام معنا قدر مردم را می‌دانند و آنان را یگانه پیش‌برندگان کشور در عرصه‌های مختلف می‌دانند. جالب اینجاست که رهبر معظم انقلاب این کار را سیره حضرت امام (ره) دانسته‌اند و این نکته را از ایشان به ارث برده‌اند. نمونه دیگر تجلیل مردم توسط ایشـــان، اختصاص ایام خاص به دیدار اقشار مختلف مردم یا دیدار با مردم شهرهای خاص است؛ به‌عنوان مثال ۱۹ دی هرسال مردم قم به دیدار ایشان می‌روند یا ۲۴ بهمن، مردم استان‌های آذربایجان به دیدار ایشان می‌روند و...

۲ **تجلیل از گذشتگان مؤثر:**

الف. امام(ره): رهبر معظم انقلاب بارها به تجلیل از امام راحل وتکریم عظمت ایشان پرداخته‌اند. تخصیص ایام رحلت امام (ره) به تبیین مکتب ایشان در همه سال‌های بعد از ایشان، نمونه‌ای از این معناست.

ب. شهدا و ایثارگران: رهبر معظم انقلاب هر سال در ایام خاص، مثل دهه فجر به زیارت مزار شهدای انقلاب، دفاع مقدس و دفاع از حرم و امنیت می‌روند و با این کار به تجلیل از آنان می‌پردازند. همچنین با برگزارکنندگان کنگره‌های شـــهدای استانی دیدار می‌کنند. در این میان تجلیل از شـــهدای شاخص در رأس بیانات ایشان است؛ به‌عنوان مثال در ســـخنرانی اخیرشان با فرماندهان سپاه، از شـــهیدان ســـلیمانی، حججی و ابراهیم هادی به‌عنوان الگوهای جوانان یاد کردند. (۱۴۰۲/۵/۲۶)

ج. علما: رهبر معظم انقلاب در بیانات خود از علمای سابق تجلیل و به نیکی یاد می‌کنند. یا در زمان رحلت‌شان پیام تسلیت که نشانه تکریم از ایشان است صادر می‌کنند.

د. مفاخر: ایشان همواره به تجلیل از مفاخر ملی و مذهبی کشور همت گماشته‌اند؛ به‌عنوان نمونه می‌توان از دیدار با اعضای کنگره بزرگداشت استاد شهریار (۱۳۷۱/۹/۱۱) یاد کرد.

۳ **تجلیل از ایثارگران و جانبازان:** رهبر معظم انقلاب بارها نمایندگان خود را به منظـــور تجلیل از جانبازان، خدمت ایشان فرستادند؛ به‌عنوان مثال در تاریخ ۱۴۰۱/۱۲/۶ در روز جانباز و یا در حاشـــیه دیدارهای عمومی به دیدار و تجلیل از ایثارگران و جانبازان پرداخته‌اند. نکته جالب در این دیدارها، روی باز، آغوش باز از این عزیزان است.

۴ **تجلیل از خانواده‌های شهدا و ایثارگران:** رهبر معظم انقلاب بارها خود به دیدار خانواده‌های شهدا و ایثارگران رفته‌اند یا ایشان را به حضور پذیرفته‌اند. دیدار از پیش تعیین‌نشده با خانواده‌های چند شهید یا خانواده‌های شهدای مسیحی در ایام سال نوی میلادی از این دست است.

۵ **تجلیل از اقشار:**

الف. کادر درمان: دیدیم که در ایام کرونا ایشان به تجلیل از صف‌شکنان جهاد درمانی پرداختند. با پرستاران که در واقع بار اصلی درمان کشور بر دوش آنهاست، دیدار داشتند و تکریم‌شان کردند. موافقت با شهید دانســـتن کادردرمان در ایام کرونا نمونه دیگری از این تجلیل‌هاست.

ب. کارگران: ایشـــان ضمن تجلیل از این قشر زحمتکش، آن را به دوجهت لازم دانستند: وابستگی رشـــد مادی کشور به کارگر و اصل کار.

ج. معلمان: ایشان ضمن دیدار با معلمان و تجلیل از آنان، این کار را فراتر از قدردانی از یک قشر دانستند و آن را به‌جهت عظمت یافتن یک معنا در جامعه انجام دادند.

د. نویسندگان و شـــعرا: رهبر معظم انقلاب هر سال در نیمه ماه رمضان با شعرا نشست ادبی دارند.

ه. ورزشـــکاران: رهبر معظم انقلاب بارها در پی پیروزی‌های ملی ورزشـــکاران ایران، پیام تشـــکر داده‌اند. یا گاهی با ایشان دیدار داشـــته‌اند. همچنین از قهرمانان خانم که با حجاب به دیدارهای جهانی می‌روند تجلیل خاص کرده‌اند.

و. دانشمندان و مفاخر: ایشان به کرات به تجلیل از دانش و دانشمند پرداخته‌اند. بارها پیشرفت علمی کشور را یادآور شده‌اند. به دفعات با استادان دانشگاه‌ها و نخبگان حوزوی دیدار داشته‌اند و به تجلیل و تکریم این قشر پرداخته‌اند.

ز. زبدگان عرصه‌های مختلف (جلســـات پنجشـــنبه‌ها): ایشان شب‌های پنجشنبه خود را به دیدار صمیمی و تجلیل از نخبگان عرصه‌های مختلف جامعه اختصاص داده‌اند. دیدار با جهادی‌ها، فیلمسازان و راویان دفاع مقدس، از این دست است.

۶ **تجلیل از کارهای خوب دولت‌های مختلف:** ایشان همواره از کارهای خوب دولت‌های مختلف با ســـلایق و جناح‌های متفاوت سیاسی تجلیل به‌عمل آورده‌اند.

۷ **تجلیل از نهادهای انقلاب:** ایشان از نهادهای انقلابی که برخاسته از حرکت انقلاب اسلامی‌اند، به نیکی یاد و از آنها تجلیل کرده‌اند؛ به‌عنوان مثال می‌توان از تجلیل از کمیته امداد امام‌خمینی(ره)، جهاد سازندگی و نهضت سوادآموزی نام برد.

۸ **تجلیل از غرور آفرینان نظامی:** ایشـــان همواره از نیروهای مسلح کشور تجلیل می‌کنند. از جمله می‌توان به دیدار نیروی‌هوایی در ۱۹ بهمن هر ســـال، یا دیدار ارتشـــی‌ها در ســـالروز ارتش یاد کرد. همچنین می‌توان از دیـــدار و قدردانی از ناوگروه ۸۶ نیروی دریایـــی ارتش و خانواده‌های آنـــان یاد کرد. (۱۴۰۲/۵/۱۵)

تجلیل از افراد به نحو خصوصی: ایشان همچنین قدردانی‌هایی نیز به‌صورت خصوصی یا توسط دفترشان انجام می‌دهند؛ به‌عنوان مثال، دفتر ایشـــان دیدارهای خصوصی‌ای همراه بـــا نماز برقرار می‌کند و ایشان بعد از نماز، طی ســـخنانی کوتاه به تکریم افراد خاص می‌پردازند؛ به‌عنوان مثال تکریم مرحوم حاج عبدالله والی و برادران‌شان، یا تجلیل تلفنی از نویسنده انقلابی در ایام فتنه ۸۸، یا دعوت از نویسنده یک مقاله علمی به دفتر و دیدار خصوصی و تجلیل از او، یا تلفن زدن دفتر ایشان به مدیر مسئول یک روزنامه و تجلیل از انتشارمطلبی مناسب و رساندن پیام تشکر رهبر معظم انقلاب یا اهدای قرآن منقوش به دســـتخط مبارک‌شـــان به یک هنرمند جهادگر، از نمونه‌های تجلیل‌های خصوصی ایشان است.

گفت‌وگوی همشهری با دلاورمرد حرم شاهچراغ(ع)

فقط به جان مردم فکر کردم

گفت‌وگو
علیرضا احمدی
روزنامه‌نگار

خورشید بیست‌ودومین روز مردادماه ۱۴۰۲ غروب کرده بود که انتشار خبر حمله تروریست‌های داعشی به حرم‌مطهر احمدبن موسی(ع) موجی از بهت و حیرت را در افکار عمومی ایجاد کرد. خبرها از حمله ناکام تروریست‌ها حکایت داشت و اینکه نیروهای امنیتی حاضر در حرم طی کمتر از یک دقیقه موفق به مهار مهاجم داعشی شدند.

در شرایطی که خبر این حمله تروریستی به سرعت به سرخط اصلی خبرها تبدیل شـــده بود، مردم با دل‌نگرانی ویژه‌ای تصاویر و فیلم‌هایی که در نخستین لحظات حمله تروریستی در رسانه‌های اجتماعی منتشر می‌شد را پیگیری می‌کردند. در میان انبوه فیلم‌ها و تصاویر، اما فیلم اقدام شـــجاعانه یکی از افراد حاضر در حرم‌مطهر در خلع سلاح تروریست داعشی توجه بسیاری را به‌خود جلب کرد. نسخه اولیه فیلم منتشرشده وضوح کافی نداشت و مشخص نبود این حرکت شجاعانه از سوی نیروهای امنیتی انجام شده یا زائران دست به چنین کار متهورانـــه‌ای زده‌اند. صبح روز پس از حادثه و به‌دنبال انتشار فیلم‌های باکیفیت‌تر از این اقدام، مشخص شد یکی از خادمان حرم، به نام فرزاد بادپا دست به چنین کار شجاعانه‌ای زده‌است؛ جوانی که جزو نیروهای خدماتی حرم بوده‌است. از آن روز به بعد این جوان گمنام به قهرمانی پرآوازه برای مردم ایران تبدیل شـــد که روایت دلاوری‌اش نقل هر محفلی است و این روزها مراسم، پشت مراسم برای قدردانی از او برگزار می‌شود. روایت فرزاد از شب حادثه اما شنیدنی است؛ اینکه فداکاری بر حس غریزی ترس غلبه و نام او را برای همیشه در فهرست قهرمانان ایران ثبت می‌کند. گفت‌وگوی همشهری با فرزاد بادپا را در ادامه می‌خوانید.

در لحظات نفسگیر حمله آن تروریست به حرم مطهر چه حسی باعث شد به فکر خلع سلاح مهاجم بیفتی؟

به‌طور کلـــی در روز حادثه حـــس و حال عجیبی داشتم؛ حال و هوایی که نمی‌دانم چگونه باید توصیفش کـــرد. وصف حال و هوای آن لحظاتم سخت و شاید باورکردنش برای خیلی‌ها دشوار باشد، اما حس غریبی مرا به سمت تروریست کشاند و انگار ندایی مجبورم کرد دنبال تروریست بدوم.

چه چیزی باعث شد به‌سمت تروریست مسلح حمله کنی؟

واقعا نمی‌دانم چه حسی بود، اما نتوانستم جلوی خودم را بگیـــرم و حمله نکنم. برایم سخت بود که کاری نکنم و کشته و زخمی شـــدن خانواده‌ام، همشـــهریان و زائران را ببینم. هرکسی که خود را جای من بگذارد، متوجه می‌شـــود که نمی‌توان ایســـتاد و ریخته شـــدن خون مردم را دید. هر ایرانی و مســـلمانی برایش سخت اســـت که این صحنه‌ها را ببیند و کاری نکند.

از عکس‌العمل تروریســـت داعشی نترسیدی؟

واقعا نمی‌دانم آن لحظـــات را چطور توصیف کنم. انگار خواســـت خود حضـــرت احمدبن موسی(ع) بود که این تصمیم را بگیرم. معتقدم خود آقا خواست که این اقدام توسط من انجام شود و جلوی کشـــتار آن داعشی را بگیرم. من یک سال بیشتر نیست که در حرم مشغول به کار هستم و خودم را بیمه شـــده آقا می‌دانم. حضرت قبول کرده بود که نوکری‌اش را بکنم.

فکـــر می‌کردی ایـــن اقدام شجاعانه‌ات این‌قدر باز تاب پیدا کند؟

در آن شرایطی که جان مردم در خطر قرار داشت نمی‌توانســـتم به چیز دیگری فکر کنم. فقط بایـــد کاری می‌کردم که جلوی آن تروریســـت داعشـــی را بگیرم تا نتواند خون زائران را بریزد. آن لحظات قابل وصف نیست. فکرش را بکنید؛ عزیزان‌تان در مقابل شما در معرض خطر کشته یا زخمی‌شدن قرار گرفته‌اند و شما باید کاری بکنید. در آن لحظه فقط به عزیزانم کـــه در کنارم بودند فکر می‌کردم. زائران هم عزیزان من بودند؛ نباید اجازه می‌دادم آسیبی ببینند.

از اینکه بـــه «قهرمان مردم» تبدیل شده‌ای، چه حسی داری؟

باور کنید اصلا به این موضوع فکر نکرده‌ام. شـــرایط به‌گونه‌ای بود که نمی‌توانستم به قهرمان‌شدن فکر کنم. در یک لحظه تصمیم گرفتم؛ دوست نداشتم مردم کشته و زخمی شـــوند. در آن نقطه‌ای که این اتفاق افتاد دوربینی وجود نداشـــت و اگر دقت کرده باشـــید، فیلم منتشر شـــده با تلفن همراه گرفته شده‌است.

اصلا به این موضـــوع فکر هم نکردی؟

قرار گرفتن درچنین موقعیتی، قدرت فکر کردن را از انســـان می‌گیرد؛ چه برســـد به اینکه به اتفاق‌های بعد از ایـــن ماجرا فکر کنم. انگار که در لحظه به من تلقین شـــد که باید کاری کنم و اجازه ندهم خون‌های بیشـــتری ریخته شـــود و عزیزانم در حرم کشـــته و زخمی شـــوند؛ به‌جز این به چیز دیگری فکر نکردم.

اگر این اتفاق در جایی به‌جز حرم رخ می‌داد باز هم همان واکنش را نشان می‌دادی؟

نمی‌دانم؛ شـــاید اگر در جای دیگری این حملـــه تروریســـتی اتفاق می‌افتـــاد، جلو نمی‌رفتم. شـــاید اگـــر بیـــرون از حرم با چنین صحنه‌ای مواجه می‌شـــدم، قدرت تصمیم‌گیری‌ام را از دست می‌دادم، اما در آن لحظه، گویی خود حضرت این قدرت را به من داد که به‌سوی مهاجم حمله کنم و اجازه ندهم خون بیشتری بریزد.

خودت را قهرمان می‌دانی؟

من کـــه کاری انجام نداده‌ام. ما ســـرداران شهیدی داریم که جان‌شان را برای میهن اســـلامی‌مان فدا کرده‌انـــد. در مقابل آنها کار من که ارزشی ندارد. باور کنید به تنها چیزی که فکـــر نمی‌کردم، تقدیر شـــدن بود. اســـلحه ترس دارد و اگر اعتقاد نباشد نمی‌توان بر ترس غلبه کرد.

در ایـــن مـــدت کنایـــه هم شنیده‌ای؟

بعضی‌ها گفتند جوگیر شـــده و دســـت به این کار زده‌ام، اما شـــما خودتـــان را جای من بگذارید. وقتی دیدم تروریستی اسلحه به‌دست به جان مردم افتاده، دیگر نتوانستم جلوی خودم را بگیـــرم. آن لحظه ترس در وجودم نبود. پیش‌تـــر هم گفتم، انگار خود آقا به من دســـتور داد که به‌سمت مهاجم بروم.

قدردانی‌هایی که در روزهای اخیر از سوی مسئولان انجام شده چقدر در تکرار چنین شجاعت‌هایی در جامعه اثرگذار است؟

قطعـــا نقش مهمـــی دارد، اما یـــک نکته را درنظر داشته باشید؛ انجام چنین اقدام‌هایی اگر برخاســـته از نیت قلبی نباشد، ماندگار نمی‌شود. اگر نیت دیگری در کار باشد، ممکن است مدتی در اذهان بماند، اما پس‌از مدتی فراموش خواهد شد.

سلبریتی‌های گمنام

قدردانی؛ عنصر فراموش شده جامعه ایرانی و به‌ویژه رسانه‌هاست

گزارش

این روزها همه‌جا روایت فداکاری «فرزاد بادپا»، خادم حرم حضرت شاهچراغ(ع) در خلع‌سلاح کردن تروریست داعشـــی، نقل محافل است و مسئولان ارشد کشور در برنامه‌های مختلف از او به‌عنوان یک «قهرمان» قدردانی می‌کننـــد؛ موضوعی که امیدواری برای ریشه‌دار شدن فرهنگ «قدردانی از قهرمان‌های گمنام» را افزایش داده است. طی ســـال‌های گذشته همواره این نقد اجتماعی از سوی کارشناسان و البته دلسوزان کشور مطرح بوده که ضعف‌های موجود در زمینه قدردانی از قهرمان‌ها و خدمتگزاران گمنام، سبب نادیده گرفتن توانایی‌های آنان و به‌تبع آن، سرخوردگی‌شان خواهد شد. این در حالی است که در بسیاری از مواقع شـــاهد بوده‌ایم گستره وسیع «انتقاد»، بر فرهنگ اسلامی قدردانی ســـایه افکنده و فرصت پرورش «قهرمانان جامعه‌محور» را به تهدید تکثیر «سلبریتی‌های ضدجامعه» تبدیل کرده‌اســـت. در چنین شرایطی اما اقدام قهرمانانه فرزاد بادپا این فرصت طلایـــی را مهیا کرده که با مرزبندی میان «شبه سلبریتی‌ها» و «سلبریتی‌های گمنام»، جامعه، رسانه‌ها و مسئولان گام‌های بلندی به‌سوی گسترش «فرهنگ قدردانی» بردارند؛ رویکردی که می‌تواند با معرفی قهرمانان و خدمتگزاران گمنام به جامعه، اثرگذاری اجتماعی –رسانه‌ای شبه‌سلبریتی‌های هنجارشکن را کاهش دهد.

رهبرمعظم‌انقلاب و فرهنگ قدردانی

کم‌کاری‌های صورت‌گرفته طی سال‌های گذشته در زمینه قدردانی از قهرمانان گمنام در شـــرایطی است که سیره رفتاری رهبرمعظم‌انقلاب دراین زمینه، گویای این نکته است که ایشان همواره طی دهه‌های گذشته گسترش «فرهنگ قدردانی»، به‌ویژه از قهرمانان گمنام را مدنظر داشته‌اند. پیام‌های قدردانی حضرت آیت‌الله‌خامنه‌ای به مناســـبت قهرمانی تیم‌های مختلف ورزشی، آن‌هم در سطوح متفاوت و کمتر شناخته شـــده، بیش‌از هر چیز گویای این نکته است که ایشان همواره توجه ویژه‌ای به قدردانی از قهرمانان و خدمتگزاران گمنام دارند؛ سیره‌ای که بیش‌از پیش باید از سوی مسئولان و نهادهای مختلف کشور مورد توجه قرار گیرد.

قدردانی رئیس‌جمهور از قهرمان حرم

رئیس‌جمهور از جمله مسئولان ارشـــد کشـــور بود که از خادم فداکار حرم شاهچراغ(ع) قدردانی کرد. سیدابراهیم رئیسی در حاشیه نخستین همایش مردمی‌سازی دولت از فرزاد بادپا که موفق به خلع سلاح عامل حمله تروریستی به حرم شاهچراغ(ع) در شیراز شده بود، با اعطای «لوح زرین سپاس» قدردانی کرد. در این مراسم رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران نیز از این خادم فداکار حرم حضرت شاهچراغ(ع) تقدیر کرد.

قهرمانی که پاسدار انقلاب شد

اقدام شـــجاعانه فرزاد بادپا بازتاب گسترده‌ای در افکارعمومی کشـــور داشت و سبب شد او از سوی مقام‌های ارشد کشـــور نیز مورد تقدیر قرار گیرد. برهمین اساس هم بود که در بیست‌وچهارمین مجمع عالی فرماندهان و مسئولان ســـپاه که دیروز (شنبه) برگزار شد، این خادم حرم حضرت شـــاهچراغ(ع) مورد قدردانی قرار گرفـــت. همچنین فرمانده کل سپاه‌پاسداران با درخواست فرزاد بادپا برای عضویت دراین نهاد انقلابی موافقت کرد.

شجاعتی که دیده شد

افزون بر این، حسن یزدانی قهرمان کشتی ایران طی دیداری با بادپا دوبنده خود را به این جوان اهدا کرد. استاندار فارس و رئیس ســـتاد اجرایی فرمان امام‌خمینی(ره) نیز از دیگر مســـئولانی بودند که از اقدام شـــجاعانه فرزاد بادپا قدردانی کردند. محمدهادی ایمانیه و عارف نوروزی در مراســـم ویـــژه‌ای، از فداکاری این خادم حرم‌مطهر شاهچراغ(ع) قدردانی کردند. همچنین مقرر شـــد یک قطعه زمین به همراه هزینه ساخت، به وی و خانواده‌اش تقدیم شود. استاندار فارس نیز دراین مراسم از درخواست ارگان‌های مختلف برای استخدام فرزاد بادپا خبر داد.

یادداشت
علی مهدیان*

۴ درس حادثه شاهچراغ

ماجرای حمله تروریستی به شـــاهچراغ به لحاظ «فرهنگ قدردانی» درس‌های آموزنده‌ای داشت.

درس اول: نخســـتین روایـــت را شـــما بدهیـــد. وقتـــی نخســـتین روایت از صحنه به دست شـــما بیرون بیاید، در ایجاد کلان‌روایت، موفق‌تر خواهید بـــود. ما خیلی از اوقات راهبرد شکر را که باعث رشد جامعه، ازدیاد و اشتداد نعمت می‌شود، به‌عنوان یک اقدام کلان فرهنگی مورد توجه قرار نمی‌دهیم. «لان شکرتم لازیدنکم»، یک راهبرد مهم برای رشد و پیشرفت یک کشور است. به تعبیر قرآن کریم راهبرد حضرت موسی(ع) برای پیشرفت قوم خودش مبتنی بر ۲ بعد اساسی بوده است؛ یکی صبر و دیگری شکر.
«و لقد ارسلنا موسی بایاتنا ان اخرج قومک من الظلمات الی النور و ذکرهم بایام‌الله ان فی‌ذلک لایات لکل صبار شکور.»
این نکته نشان می‌دهد که مقوله صبر و شکر را نباید صرفا در قواره فردی و جزئی بازخوانی کنیم؛ بلکه یک بستر گفتمانی که صحنه را برای صبار و شکور شدن فراهم می‌کند نیز نیاز است. بله؛ افراد جامعه باید «تواصی به حق و تواصی به صبر» کنند. این درست، اما می‌توان اقدامات گفتمان‌ساز و کلان نیز تعریف کرد که بسترساز رشد صبر و شکر در جامعه باشند. یکی از این اقدامات کلان حاکمیتی، همین ارائه نخستین تصویر و روایت اســـت. اگر منتظر می‌ماندیم که دیگران از حادثه شاهچراغ روایت کنند، نه قهرمان‌بودن جوان باغیرت، ساده، بی‌نام و نشـــان و نیروی خدماتی به چشم می‌آمد، نه قهرمان‌بودن کودک ۷ ســـاله و نه رذالت دشمن. وقتی شما در جنگ رســـانه‌ای بســـتر را برای ارائه تصویر و روایت اول فراهم کنید صحنه برای شکر مهیاتر می‌شود. امروز که نبرد رســـانه‌ای و جنگ، یک روایت جدی است، روشن است که مسئولین حاکمیتی باید برای بسترسازی جهت ایجاد فضای شکر و تکریم تلاش کنند. هر چقدر روایت اول و کلان سریع و عاقلانه بیرون بیاید بستر شکر و صبر فراهم‌تر خواهد شد.

درس دوم: تکریم کردن یک وظیفه است. برای فرهنگسازی نیاز به تکریم داریم. نگاه کنید تکریم‌های مقام معظم رهبری را. تکریم اساســـا یکی از روش‌های مهم رهبری اجتماعی اســـت. اگر پیامبر اکرم(ص) دختـــرش را تکریم می‌کند یا خانواده و اهل‌بیـــت را تکریم می‌کند، یا کارگـــر را تکریم می‌کند یا کودکان را تکریم می‌کنـــد، اینها برای ایجاد یک فرهنگ در جامعه دینی، فوق‌العـــاده نقش جدی دارند. اگر مقام‌معظم‌رهبری از قهرمانان زن محجبه تجلیل می‌کنند، از نویسنده، شاعر، حتی یادداشت‌نویس، اهل علم و دانشمند و که و که تجلیل می‌کنند، از خانواده شهید تجلیل می‌کنند، از جانباز و شـــهید تجلیل می‌کنند، از مفاخر فلان شهر در دیدار با مردم هر شهری تجلیل می‌کنند، اینها نشان‌دهنده یک روش مهم حاکمیتی است. تکریم کردن اگر درست و با لحاظ همه جزئیات کار رسانه‌ای تمیز و مؤثر انجام شود در فرهنگسازی، بسیار نقش دارد. این قهرمان‌سازی که البته باید بر بستر واقعیت و حقیقت هم ســـوار شود، مددکردن به فرهنگ جامعه و اصلاح جامعه اســـت. حالا با این حساب وقتی بعد از سخنان فوق‌العاده مقام معظم رهبری درباره سپاه پاسداران، فرمانده سپاه، بادپا را به‌عنوان مقدس پاسدار مفتخر می‌کند، این یک کار تمیز فرهنگی است.
وقتی رئیس محترم جمهور که موفقیت‌های او در این ۲ سال در تلاش حداکثری برای کشور قابل توجه و ستایش است، این قهرمان صحن شاهچراغ را تجلیل می‌کند، یا وقتی یزدانی عزیز و قهرمان، دوبنده خود را به بادپا هدیه می‌دهد اینها همه نشان می‌دهد که این فرد با این مختصاتی که از او سراغ داریم حالا اتصال به کل هویت این کشور دارد. این تجلیل، خود فرهنگساز و رشدآفرین است.

درس سوم: نگذاریم گمنام بمانیم. گمنام‌شدن ارزش است وقتی همه دنبال ریا هستند. اما گمنام بودن ضدارزش است وقتی دشمن می‌خواهد داشته‌های شما دیده نشود. ایران پر از قهرمان است. بعد از انقلاب ایران این کشور آنقدر قهرمان دارد که کثرت قهرمان‌هایش باعث گمنامی آنها شده است. اگر پیش از انقلاب یک نفر در یک شـــهر یا قریه‌ای بود که شهید می‌شـــد و نظر می‌کرد به وجه‌الله حتما برایش گنبد و بارگاه می‌ســـاختند. اما ایران ۲۰۰، ۳۰۰ هزار شهید دارد که نظر کرده‌اند بـــه وجه‌الله و در بالاترین مراتب ســـلوک، معنویت، حماسه و غیرتند. این کثرت، باعث شده این افراد که بزرگ و کوچکشان قهرمانند به چشم نیایند. در ماجرای کرونا و سیل و زلزله، فداییان این ملت که وارد کمک به خلق می‌شدند و جانشان را کف دست می‌گرفتند و صحنه را خالی نمی‌کردند و فـــرار نمی‌کردند آن قدر زیـــاد بودند که دیده نمی‌شدند. جالب اســـت بعد از انقلاب، گمنامی قهرمان‌ها به‌دلیل کثرت آنهاست. حالا راه چیست؟ راه، به چشم آوردن تک‌تک آنهاست. باید تکریم و شکر هم درمرتبه بالاتری قرار بگیرد؛ جدی‌تر شود. ماجرای شـــاهچراغ به همه نشان داد که همین نیروی خدماتی گوشه حرم می‌تواند یک قهرمان باشد یا همان نونهال ۷، ۸ ساله اهل عشق و شجاعت می‌تواند یک قهرمان باشد؛ همین رفیقت، همسایه‌ات، هم محله‌ات و هزاران افرادی که کنار ما هستند، شایسته تقدیرند.
تقدیر کنیم که داشته‌هایمان به چشم بیایند و باز هم بیشتر و بیشتر شوند. نگذاریم کثرت خوبی‌های امت، مانع شکر و بالطبع رشد ما باشد.

درس چهارم: زشتی و شـــنائت خودتحقیری باید به چشم بیاید. آنان که گفتند نیروی امنیتی پس کجا بوده که نیروی خدماتی وارد صحنه شده، آنان که خفه شدند و سکوت کردند به نشانه بی‌تفاوتی، آنان که سعی کردند ضعف دستگاه امنیتی و اطلاعاتی ایران را به چشم آورند، آنان که سعی کردند این رفتارها را به‌خود حاکمان انتســـاب بدهند، در این جشنواره ظهور مظلومیت و اقتدار مردمی، چقدر تحقیر شـــدند. اگر صحنه، مهیای شـــکر، تحدیث نعمت و روایت امید شـــود، آن وقت خود تحقیرها در چشـــم همگان تحقیر می‌شوند و این تحقیر خودتحقیرها را یک جامعه لازم دارد برای رشد.

*استاد حوزه و دانشگاه